

مقایسه تظاهرات بالینی اختلال افسردگی ماژور و افسردگی القاء شده توسط مواد، بعنوان یک ابزار تشخیصی

ساناز بوستانی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، Sanaz_boostani_63@yahoo.com
آرش مولا، بخش روان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، بیمارستان حافظ

مقدمه: افسردگی نشان شایعی است که در نتیجه علل بیشماری ایجاد می‌گردد. افسردگی می‌تواند در نتیجه حس طبیعی غمگینی و داغداری ایجاد شود که در این صورت با برطرف شدن علل خارجی، این احساس نیز بعد مدتی از بین خواهد رفت. افسردگی زمانی که با علائمی چون: خلق و عاطفه غیرطبیعی، علائم عملکرد نوروژناتیک (مانند تغییرات اشتها و اختلال در خواب)، تغییرات شناختی (مانند احساس گناه نامتناسب و احساس بی ارزشی) و تغییرات سایکوموتور (از قبیل آژیتاسیون یا ریتاردیشن) همراه باشد بعنوان اختلال افسردگی اساسی محسوب می‌گردد. از سوی دیگر گزارش های متعددی در رابطه با تغییرات خلقی به دنبال مصرف مواد مشاهده شده است، هنگامی که مواد باعث تغییرات خلق می‌شود (طی مصرف یا طی ترک) اصطلاح افسردگی القاء شده توسط مواد استفاده می‌گردد. با توجه به اهمیت موضوع ذکر شده، هدف این مطالعه افتراق اختلال افسردگی اساسی از افسردگی القاء شده توسط مواد با کمک تظاهرات بالینی می‌باشد.

روش: در این تحقیق ۳۷۱ بیمار شناسایی شده بر اساس کرایتری‌های dsm iv به صورت تصادفی مورد بررسی قرار گرفتند. در جمعیت مورد بررسی ۱۸۴ بیمار تشخیص اختلال افسردگی اساسی و ۱۸۷ بیمار تشخیص افسردگی القاء شده بوسیله مواد را کسب نمودند. هر دو گروه بیماران اولین اپیزود افسردگی خود را تجربه می‌کردند و میانگین سنی آن‌ها بین ۱۸ تا ۶۵ سال بود. برای انجام مراحل بعدی تحقیق نمره افسردگی، حداقل تست همیلتون برای هر دو گروه ۱۶ در نظر گرفته شد. همیلتون اولین ابزار علائم و نشانگان افسردگی بوده که بر این اساس هر دو گروه طبق نمره کلی و ریز نمره های ابزار همیلتون با یکدیگر مقایسه شدند.

نتایج: نتایج تحقیق نشان داد که بیماران با اختلال افسردگی ماژور شدت افسردگی و موتور ریتاردیشن کمتری داشتند، مشکلات اجتماعی و شغلی کمتری در اعضای این گروه مشاهده شد بعلاوه شکایات جسمانی، گاسترواینستینال و سکچوال نیز در این بیماران کمتر بود. همچنین بیماران با اختلال افسردگی ماژور بیش و همکاری بهتری جهت درمان داشتند.

بحث: مطالعه انجام شده نشان داد که بیماران با اختلال افسردگی ماژور شدت افسردگی کمتری در مقایسه با بیماران با افسردگی القاء شده توسط مواد داشتند، شکایات گوارشی، علائم جسمانی و اختلال عملکرد نیز در بیماران این گروه کمتر بود. به طور کلی نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که تظاهرات بالینی یک معیار ارزشمند برای افتراق اختلال افسردگی ماژور از افسردگی القاء شده توسط مواد است. افتراق افسردگی این بیماران جهت ارائه درمان بهینه و همچنین پروگنوز بیماری اهمیت بسیاری دارد، هر چند انجام مطالعات بیشتر جهت ارزیابی خصوصیات بالینی و دموگرافیک افسردگی در این دو گروه ضروری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: تظاهرات بالینی، افسردگی، مواد